



فربیا پژوه

هفته گذشته روزنامه «شرق» میزبان معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ و جمعی از روزنامه‌نگاران افغانستان بود. هم زبان بودیم اما در انتهای نگاه‌های اهالی مطبوعات دو همسایه چیزی غریبی می‌کرد و این غریبگی با وجود اشتراکات تمدنی و فرهنگی فراوان بسیار عجیب بود.

اگرچه به‌طور سنتی نگاه جامعه ایران نسبت به افغانستان با جنگ و ناامنی و حضور و فعالیت طالبان پیوند دارد اما نمی‌توان و نباید از کنار توسعه روزافزون در سطوح مختلف در افغانستان گذشت. به‌نظر می‌رسد امروز وقت آن رسیده باشد که فرهنگ مشترک دو کشور بر سیاستگذاری میان دوکشور تأثیر بیشتر بگذارد. سیمین حسن‌زاده، معین نشرات (معاون رسانه‌ای) وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در گفت‌وگو با «شرق» بازدید خبرنگاران و روزنامه‌نگاران شماری از رسانه‌های ایران می‌تواند در بلوغ و رشد رسانه‌های ایران و آشنایی با کار رسانه‌های آزاد و دولتی در ایران را فرصت خوبی جهت انتقال و تبادل تجارب بین دوکشور و آن را برای فعالیت حرفه‌ای اصحاب رسانه‌های هردو کشور مؤثرتر دانست که این مساله می‌تواند زمینه‌ساز بازتاب اخبار و رویدادهای موجود مبتنی بر واقعیت بین دو کشور باشد. حسن‌زاده در این گفت‌وگو به آزادی بیان در رسانه‌های افغانستان تأکید کرد و گفت: کسب تجربه از رسانه‌های ایران می‌تواند در بلوغ و رشد رسانه‌های افغانستان موثر باشد و رسانه‌های دو کشور خواهرخوانده یکدیگر هستند. در بازدیدمعاون وزارت اطلاعات و فرهنگ از روزنامه «شرق» خبرنگاران و مسوولان آژانس خبری باختر، تلویزیون ملی افغانستان، روزنامه‌های ماندگار و افغانستان تایمز، مدیر خبر ولایات آژانس پژواک، مدیر ارشد بخش‌های سیاسی و خبری تلویزیون طلوع و نماینده امور فرهنگی وزارت امور خارجه او را همراهی می‌کردند.

اعطای مجوز به رسانه‌های مختلف از جمله رسانه‌های تصویری و نوشتاری در افغانستان تحت نظر معین نشرات -معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان- است. شما بیش از یک‌سال است که این مسوولیت را برعهده دارید. به‌نظر شما وضعیت آزادی رسانه‌ها در افغانستان چگونه است؟

در طول ۱۳سال گذشته یکی از ارزشمندترین دستاوردهای افغانستان که می‌توان گفت در تاریخ منطقه بی نظیر است، آزادی بیان و رسانه بوده. همزمان با شکل‌گیری دولت موقت، وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان قانونی تصویب کرد که بر اساس آن قانون بستر فعالیت‌های آزاد رسانه‌ها گنرت‌ر و مطبوعات آزاد در افغانستان فراهم شده و امروز تعداد رسانه‌های نوشتاری در کشور من بیش از هزارعنوان است. همچنین در بخش رسانه‌های دیداری و نوشتاری از همان سال‌های نخستین و پس از سرنگونی طالبان تلویزیون ملی راه‌اندازی شد و در کنار تلویزیون ملی، شبکه‌های مختلف دیگر نیز شروع به کار کردند. بر اساس قانون مدنی افغانستان آزادی بیان حق اساسی هر شهروند افغانستانی است. امروز بیش از ۳۵۰ رسانه دیداری و شنیداری در سطوح مختلف در افغانستان فعال هستند. ده‌ها آژانس خبری در افغانستان با گرایش‌ها و زبان‌های مختلف در افغانستان کار می‌کنند. حضور بی نظیر بانوان در رسانه‌ها و فعالیت آنها یکی از دستاوردهای بزرگ ما در چندسال گذشته بوده است. حضور زنان در رسانه‌ها واقعا موثر بود ولی با توجه به شرایط بد امنیتی و حاکمیت فرهنگ سنتی در کشور میزان حضور بانوان سیر صعودی نداشته، البته من امیدوارم این مشکل در حکومت جدید وحدت ملی بهبود یابد. ما امروز ۵۶ رسانه داریم که زنان به عنوان مدیرمسوول یا عضو شورای سردبیری در آنها حضور دارند.

آ زنان به‌عنوان فعال رسانه‌ای و روزنامه‌نگار در رسانه‌های افغانستان با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

شرایط برای حضور زنان در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی فراهم است. زنان در زمینه‌های مختلف مثل تهیه‌کنندگی برنامه‌ها، گویندگی و مجری خبر و برنامه‌های دیگر تلویزیونی و خبرنگاری فعال هستند.

امنیت حضور این زنان چگونه است؟ برخی گزارش‌ها حاکی از این است: زنانی که به‌عنوان مجری در تلویزیون‌های افغانستان فعال هستند با مشکلاتی مواجه می‌شوند و در برخی نقاط جانشان هم مورد تهدید قرار گرفته است.

باید توجه داشت که امنیت در افغانستان شکننده است و برخی مسایل در افغانستان به آسانی قابل‌پیش‌بینی نیست. از سوی دیگر فرهنگ افغانستان سنتی و مردسالار است و ما از یک فضای کاملاً سنتی وارد مرحله جدیدی شده‌ایم و امروز در حال مشق دموکراسی و اصول اولیه آن هستیم. ما در افغانستان از یک فضای دیکتاتوری و خفقان وارد فضای تحول

معین نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در گفت‌وگو با روزنامه «شرق»:

افغانستان در حال مشق دموکراسی است



سیمین حسن‌زاده و گروهی از اهالی مطبوعات افغانستان در شرق

شده‌ایم. خفقان پیشین تنها گریانگیر زنان نبوده، بلکه همه اقشار جامعه را دربر می‌گرفته است. به این ترتیب هنوز محدودیت‌هایی باقی مانده و فرهنگ کشور ما هم بسیار سنتی و مردسالار است و تغییر این فرهنگ و رفتار به زمان بیشتری نیاز دارد. به هر حال، حرکت ما به سمت ایجاد نظام دموکراتیک و ارزش‌های دموکراتیک و مدنی و حقوق اساسی هر شهروند افغانستان است. در برخی ولایات افغانستان فعالیت برای زنان محدودیت‌هایی به همراه دارد و خشونت‌هایی علیه زنان فعال در زمینه‌های مختلف و فعالان رسانه‌ها وجود دارد. به هر حال حرفه روزنامه‌نگاری در همه‌جای دنیا با قبول خطراتش همراه بوده است.

میزان نفوذ رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های مکتوب چقدر است و چه تأثیری بر جامعه دارد؟ رسانه‌ها چقدر مورد توجه و رجوع مردم و افکارعمومی قرار دارند؟

به‌نظر من آزادی بیان در افغانستان بی‌حدوصر است و گاهی فضا به سمت هرج‌ومرج می‌رود. این نظر من به عنوان یک فرد عادی در جامعه افغانستان است. اما با مقایسه شرایط ۱۳سال پیش، امروز می‌توان به روشنی تأثیر رسانه‌ها در جامعه افغانستان را رصد کرد. در ۱۳سال گذشته مردم افغانستان به سطحی از یک پیش و دانش سیاسی دست یافتند و نسبت به مسایل مختلف آگاه‌تر شدند.

رسانه‌ها به‌عنوان ناظران بر عملکرد دولت توانسته‌اند به مردم نشان بدهند که حکومت‌داران به چه سمت و سویی حرکت می‌کنند؛ وعده‌های آنها تا چه حد محقق شده است و مسوولان در چه مواردی به قانون عمل نمی‌کنند و از آن تخطی می‌کنند. امروز بر اثر اطلاع‌رسانی و کار مطبوعات مستقل دولت در افغانستان مسوولیت‌پذیر، انتقادپذیر و پاسخگو است.

اما از لحاظ فرهنگ مطالعه و کتاب و کتاب‌خوانی و روزنامه‌خوانی متأسفانه سطح سواد در افغانستان پایین است و به همین دلیل میزان رجوع مردم به روزنامه‌ها در افغانستان کم است. از سوی دیگر به میزانی که در مطبوعات در کمیت با رشد مواجه بوده‌ایم، رشد کیفی در آنها وجود نداشته است. فقر فرهنگی و فقر اقتصادی دست به دست هم داده تا مردم ارتباط کمتری با رسانه‌های نوشتاری داشته باشند. اما قشر دانشگاهی و کارمندان دولت جزو افرادی هستند که به رسانه‌های مکتوب مراجعه می‌کنند. البته باید توجه داشت در حال حاضر یک‌هرج‌ومرج و سوءاستفاده از آزادی بیان در میان برخی رسانه‌های افغانستان دیده می‌شود. این مساله از یک سو و پایین‌بودن تعداد روزنامه‌نگاران متخصص و حرفه‌ای از سوی دیگر، باعث ایجاد بی‌اعتمادی به رسانه‌های مکتوب و ایجاد نوعی سردرگمی در میان مخاطبان روزنامه‌ها شده است.

شما مسوول مستقیم اعطای مجوز به همه رسانه‌های نوشتاری و تصویری در افغانستان هستید. شرایط اعطای مجوز فعالیت رسانه‌های تصویری و نوشتاری در افغانستان چیست؟

براساس قانون آزادی‌های همگانی، آزادی بیان حق هر شهروند افغانستان است. به همین دلیل ما به همه شهروندان افغان که تنها تابعیت افغانستان را داشته باشند مجوز انتشار نشریه و ایجاد شبکه تلویزیونی و رادیویی می‌دهیم. البته خارجی‌ها هم می‌توانند با نظرداشت قوانین، شبکه‌های مربوط به خود را در افغانستان داشته باشند. هرفرد افغان که تابعیت افغانستان ۱۸سال تمام داشته باشد، می‌تواند صاحب‌امتیاز شود. مدیران مسوول باید ۲۱سال تمام سن داشته باشند، سه

۱۳سال افتخار برای رسانه‌ها در افغانستان

به گوش مردم افغانستان و جهان برسانند. نقش رسانه‌های افغانستان در ۱۳سال گذشته در نهادهی‌شدن آزادی‌بیان و فکر نیز قابل درک و یادآوری است. امروز احزاب سیاسی، گروه‌های مدنی، نهادهای اجتماعی، قومی، مذهبی با حفظ منافع ملی دیدگاه‌ها و افکار و انتقادهایشان را ابراز می‌کنند و این روند با گذشت هرروز به پختگی بیشتری می‌رسد. اکنون رسانه‌های افغانستان با قدرت می‌توانند روند سیاسی و فرهنگی موجود در افغانستان را نقد و خلاهای نهادهای دولتی و غیردولتی را برای آگاهی مردم منتشر کنند. «حامد کزای» رییس‌جمهور پیشین افغانستان نیز بارها از رسانه‌ها خواسته است تا کمبونه‌های نظام تحت حاکمیتش را با قدرت بیان کنند. کزای در سخنرانی دی‌ماه سال گذشته خورشیدی در هنگام افتتاح یک رسانه خبری گفت که «رشد رسانه‌ها و آزادی بیان در افغانستان یک پیشرفت یا ترقی بزرگ است که خود ما زبیرانی آن را گذاشته‌ایم. بی‌شک آزادی‌های مطبوعات، آزادی تلویزیون‌ها و آزادی روزنامه‌نگاری افغانستان مثل گذشته به پیش می‌رود و حکومت آینده نیز به همین راه می‌رود و باید برود. از این راه، دیگر شبکه‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی که به‌نحو با اجتماع و مردم سروکار دارند، به‌دلیل وجود فضای باز موجود انتقادی، تا حد زیادی نمی‌توانند گام‌های استوار بردارند. همان‌طور که آبراهام لینکلن در توصیف دموکراسی گفته است: «نمی‌توان برای همیشه مردم را فریب داد، بدین‌یا زود حقیقت خود را نشان می‌دهد. هنگامی‌که هیچ صدايي برای مخالفت‌گویی برنمی‌خیزد، هنگامی‌که حقیقت را نمی‌توان شناخت، دروغگویی آسان است.» با این همه می‌توان گفت تنها رسانه‌های می‌توانند دموکراسی و آزادی

جهان

نگاه

سایه‌ها و جهان‌متمدن

محمدعلی عسکری: حمله تروریستی به مجله «شارلی‌ابود» در مرکز پاریس و کشتن ۱۲انفر از اعضای تحریریه آن نه‌تنها برای فرانسه که برای کل اروپا شوک‌آور بود. این اتفاق برای مسلمانان نیز دردناک و نگران‌کننده بود؛ چه مسلمانانی که در اروپا زندگی می‌کنند و می‌دانند چنین حوادثی تا کجا بر آینده کار و زندگی‌شان اثر خواهد گذاشت و چه مسلمانان متمدن و روشن‌اندیشی که در سراسر جهان دلشان از این اتفاق به‌درد آمد که چرا باید دینی چون اسلام که پیامبرش مظهر رحمت و شفقت است، اینچنین بازچپه بازی‌های سیاسی و ایدئولوژیک در غرب و شرق جهان قرار گیرد؟ و این ماجرا می‌خواهد تا کجا ادامه داشته باشد؟ اتفاقاً همان‌هایی‌که چندماه پیش یک‌مدرسه را در پیشاور آماج گلوله‌های مرکبار خود قرار دادند نیز خود را پیرو اسلام معرفی می‌کردند.

سال تمام کاری حوزه‌ای که تمایل دارند در آن کار کنند، سابقه کار یا دارای مدرک کارشناسی از دانشگاه روزنامه‌نگاری باشند. همچنین آنها باید به قانون اساسی و قوانین کشور پایند باشند.

فعالیت شما در این یک‌سال گذشته چگونه بوده و دورنمای کاری این

معاونت را در حکومت وحدت ملی چگونه می‌بینید؟
وظیفه معین نشرات، تنظیم امور رسانه‌ها و نظارت بر عملکرد رسانه‌ای و دادن مجوز به آنهاست؛ ضمناً ما در زمینه چاپ و نشر کتاب هم مسوول هستیم. افغانستان چندروزنامه دولتی نیز دارد که این معاونت بر عملکرد آنها هم نظارت دارد.

یکی از کارهایی که ما انجام داده‌ایم ایجاد تغییر و تحول در روزنامه‌های دولتی است. پنج‌روزنامه دولتی به نام‌های «هیواد»، «اصلاح»، «انپس»، «کابل‌تایمز» و «وطنداران» در افغانستان منتشر می‌گردد. کابل تایمز تنها رسانه‌ای است که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. «وطنداران» به زبان‌های بلوچی، پشه‌ای و دری منتشر می‌شود. روزنامه هیواد روزنامه پشتو زبان است. این سه‌روزنامه همواره از یکنواختی رنج می‌بردند، ولی ما برای تغییر محتوای این روزنامه‌ها کار کردیم و توانستیم این سه‌روزنامه را با سه رویکرد متفاوت منتشر کنیم. روزنامه «انپس» روزنامه سیاسی – ملی، روزنامه «اصلاح» سیاسی – اجتماعی و روزنامه «هیواد» سیاسی – اقتصادی است.

آ در چندماه گذشته یک‌روزنامه و چند وب‌سایت خبری در افغانستان توقیف شده‌اند. چرا؟

به‌نظر من س‌و‌استفاده از آزادی بیان اصحاب رسانه و نشریات را نازدانه کرده است. به‌نظر می‌رسد برخی از رسانه‌های ما به‌طورکلی قانون‌گریز هستند. برخی از رسانه در افغانستان بدون هیچ مجوزی منتشر می‌شوند. ما در این معاونت جلوی نشر این آنها را گرفته‌ایم و از انتشار آنها مانع‌ت کرده‌ایم. همچنین ما سعی می‌کنیم از ورود کتاب‌های قاچاق و چاپ و نشر غیرقانونی آثار نویسنده‌های دیگر کشورها در افغانستان جلوگیری کنیم.

طی ۱۳سال گذشته وزارت اطلاعات و فرهنگ هیچ رسانه‌ای را به دادستانی معرفی نکرده و همیشه حامی رسانه‌ها بوده است. در وزارت اطلاعات و فرهنگ یک‌کمیسونی برای بررسی تخطی احتمالی رسانه‌ها از قانون وجود دارد. در ماه‌های گذشته یکی از رسانه‌های انگلیسی زبان به نام «افغانستان‌اکسپرس» توقیف شد. این روزنامه به نشر مطالب موهی علیه مقدسات اسلام مبادرت داشته است. این روزنامه از طرف مردم و در دادگاه افکارعمومی و از طرف علمای دینی و نهادهای مختلف در افغانستان مورد انتقاد قرار گرفت. به همین دلیل این روزنامه توقیف شد و مسوولان آن به خارج از افغانستآن گریختند و اکنون خارج از کشور به سر می‌برند.

خط قرمزهای رسانه‌های افغانستان چیست؟ در چه مواردی ممکن است رسانه‌ها در افغانستان توقیف شوند؟

در قانون رسانه‌های همگانی در هشت‌مورد ممکن است با رسانه برخورد شود. مطالب و برنامه‌های خلاف ارزش‌های دینی، منافع ملی، ارزش‌های فرهنگی جامعه، مطالبی که سلامت اخلاقی و روانی جامعه و خانواده را مخدوش می‌سازد یا باعث هتک حرمت و افترا به شخصیت افراد حقیقی و حقوقی می‌شود و مطالبی که باعث توهین به اسلام و مقدسات دینی اسلام و سایر ادیان دیگر شود، همچنین مطالب ترویجی دینی به جز دین مبین اسلام و مطالبی که مخالف قانون اساسی افغانستآن باشد. این عدهه مسایلی است که جزو خطوط سرخ رسانه‌های افغانستان محسوب می‌شود.

یادداشت

بازار گرم آزادی بیان در افغانستان



خلیل میتونی

مدیرعامل خبرگزاری باختر افغانستان

مطبوعات افغانستان در سال‌های گذشته در این کشور از رشد قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده و در اطلاع‌رسانی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با وجود مشکلات فراوان، دستاوردهای بزرگی داشته‌اند. اما این دستاوردها به معنی آن نیست که تمام رسانه‌های موجود در افغانستان تاکنون از سیر تخصصی عبور کرده و مطابق معیارها و ارزش‌های بین‌المللی و رسانه‌ای عمل کرده‌اند. به ه‌حضور باوجود کاستی‌های تخصصی حرفه‌ای رسانه‌ها در افغانستان، آزادی بیان در این کشور با بسیاری از کشورهای جهان غریقابل‌مقایسه است و حتی می‌توان مدعی شد این آزادی در سطح منطقه‌ای بی‌نظیر است.

با توجه به این مساله، آزادی بیان و دموکراسی از جمله مقوله‌هایی هستند که مردم افغانستان پس از ایجاد نظام نوین در کشور، آن را به تجربه گرفته‌اند و برای نهادهی‌سازی آن کار و تلاش می‌کنند. حدود ۱۴سال پیش در افغانستان فقط چندرسانه جایی دولتی و یک‌رادیو به نام «رادیو شریعت» وجود داشت ولی امروز در افغانستان حدود ۸۰شبکه‌تلویزیونی، ۱۸۰رادیو و ۲۱روزنامه و بیشتر از سیصدنشریه جایی مشغول اطلاع‌رسانی‌اند. به‌طور مسلم بررسی محتویات تمام رسانه‌ها با در نظر داشتن وضعیت موجود در کشور دشوار است اما گام‌های عملی برای عبور از مشکلات و موانع رسانه‌ای و سمت‌دهی رسانه‌ها به سوی اهداف کلان ملی، سازندگی، توسعه و تقویت دموکراسی در کشور برداشته شده است. ابتدا قانون رسانه‌های همگانی در مجلس افغانستان تصویب شد و به‌دنبال آن آیین‌نامه تأسیس و فعالیت رسانه‌ها نوشته شد تا براساس آن رسانه‌های همگانی بتوانند در افغانستان فعالیت کنند. از جمله مسایل مهم در این قوانین تأمین حقوق روزنامه‌نگاران و مصونیت خبرنگاران است. همچنین سیاست‌های روزنامه‌ها و نشریات افغانستان براساس دسترسی آزاد و همگانی رسانه‌ها به اطلاعات و رعایت اصول اخلاقی در این حرفه مورد توجه قرار گرفته است و رسانه‌های می‌توانند با توجه به این چارچوب کلی به فعالیت خود بپردازند.

با همه این مسایل نمی‌توان از کنار برخی مشکلات مطبوعات افغانستان نیز عبور کرد. این مساله قابل‌کتمان نیست که باوجود همه تلاش‌ها رسانه‌ها نیز در مسیر کار خود خطاهایی داشته‌اند. اگرچه تعداد زیاد رسانه‌های نوشتاری، دیداری و اغازی در افغانستان باعث رشد و توسعه آزادی‌بیان شده است. البته باید این حقیقت تلخ را نیز گفت که برخی از رسانه‌ها به مساله اطلاع‌رسانی آزاد مانند کالا و نگاه و با آن تجارت کرده‌اند. گاهی مسایل مهم کشور را ندیده‌اند و گاهی در راستای اهداف خاص برخی از سیاستمداران گام برداشته‌اند. این در حالی است که اطلاع‌رسانی دقیق و حق مردم است و نباید با این حق، تجارت و خلاف موازین اخلاقی و معیارهای حرفه‌ای بدون در نظر داشتن قانون عمل کرد. به‌عنوان مثال امروز در افغانستان ۲۶رسانه وجود دارد که بدون مجوز قانونی فعالیت دارند. فعالیت این رسانه‌ها



نشان می‌دهد برخی اهل رسانه هم تمایل به قانون‌گریزی دارند و به باور بسیاری از اهالی رسانه موجودیت چنین رسانه‌هایی در بازار گرم آزادی بیان امروز افغانستان مفید نیست.

به همین‌ترتیب مواردی هستند که می‌توان آن را در کار رسانه تأثیرگذار دانست. علاقه‌مندی‌ها و گرایشات سیاسی، گروهی، قومی و قبیله‌ای سبب شده است بازار رسانه در افغانستان آشفته شود. همچنین اثرگذاری منابع مالی حامی برخی رسانه‌های افغانستان به‌مثابه عوامل هدایت‌کنندگان بیرونی رسانه‌ها عمل می‌کنند و می‌توانند آنها را از مسیر اصلی خارج کنند.

خودسانسوری موضوع دیگر قابل بحث در کار اهل رسانه است. عواملی چون مسایل سیاسی، شخصی، گروهی و قومی، تعصبات زبانی و حتی مذهبی در این موضوع بیشتر اثرگذار بوده و می‌تواند به مطبوعات افغانستان تأثیر جدی داشته باشد. این مسایل حقیقی هستند که در کار رسانه‌های کشور مشهودند اما به هر حال هستند رسانه‌های که بدون این دغدغه‌ها منتشر می‌شوند و بیشترین مخاطبان را نیز به خود اختصاص داده‌اند. اما موضوع در‌آمد و خودکفایی مالی، برخی از رسانه‌ها را نیز وادار کرده است در مواردی از مرزهای منافع ملی و سنتی مردم عبور کرده و انگشت انتقاد مخاطبان را یا خانواده‌ها کم نیستند و بنابراین اقدامات امنیتی و رفتاری در جهت کشتن و کشتن افراد بی‌گناه، دونفر هیچ‌تغییری در اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند. این نکته نیز دیگر مثل روز روشن است که تا وقتی در غزه کودکان از سرما و بی‌خانمانی جان می‌دهند یا بمب‌های اسرائیلی صدهاخانه را در چشم برهم‌زدنی با خاک یکسان می‌کند، تا وقتی در افغانستان یا پاکستان هوایم‌ماهای بدون‌سرزنشین خانه‌ای گلی را بر سر خانواده‌ای آوار می‌کنند و تا زمانی که جوانی‌های خودخواه شدت خشونت را تجربه می‌کنند، تهدیدهای جانی و مالی علیه خبرنگاران، حمله فیزیکی و انواع توهین و تحقیر مسایلی است که خبرنگاران افغانستان با آن، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نهادهای امنیتی افغانستان هرکدام به‌نوبه خود فشارهایی را بر اصحاب رسانه وارد می‌کنند. بدرفتاری پلیس، بدرفتاری افراد در وزارتخانه‌ها علیه خبرنگاران، آنها را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. دسترسی‌نداشتن به اطلاعات، ناامنی و تهدیدهای زورگویان محلی و همچنین فشارهایی که طالبان بر رسانه‌ها وارد می‌کنند، کار رسانه‌ای را در افغانستان تا اندازه‌ای مشکل کرده است. در نتیجه باید گفت رسانه‌های افغانستان با همه دستاوردها و کاستی‌های که دارند هنوز هم با قوت بیشتر از گذشته به سوی نهادهی‌سازی دموکراسی و آزادی بیان در حرکتند تا فرهنگی را نهادهی‌کنند که لجام‌کسیختگی‌های موجود در فضای کشور را از میان برداشته و در نهایت این مردم باشد که بر حاکمان حکومت کشته نه حاکمان می‌توانند دموکراسی و آزادی